مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی
سال اول، شماره ۱۰،اسفند ۱۳۹۷
ISSN: ۲۵۸۸-۶۹۶۷
www. jonahs.ir

اثر بیکاری بر میزان شیوع جرایم

زهرا السادات حسینی نژاد[۱]؛ علی آزادی نژاد[۲]؛ مهدی اکابری تفتی[۳]

۱. دانشجوی دانشکده اقتصاد دانشگاه آیت الله حائری میبد،
۲. گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت الله حائری میبد
۳. گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت الله حائری میبد

چکیده

از آنجا که با افزایش جرایم در یک کشور، هزینه‌های زیادی به حاکمیت و شهروندان تحمیل می‌گردد می‌بایست با استفاده از سیاست‌های مختلف میزان وقوع جرایم در کشور را کاهش داد و لازمه این مهم یافتن الگویی برای کاهش میزان وقوع این معضل اجتماعی است. بر این اساس این تحقیق به دنبال بررسی متغیرهای موثر بر جرایم در کشورها بوده تا باشناخت دقیق آن، راهکارهای مناسب جهت کاهش این معضل اجتماعی ارائه گردد. به این منظور از اطلاعات تعداد افراد زندانی در هر صد هزار نفر جمعیت به عنوان متغیر وابسته در دوره زمانی ۲۰۰۶-۲۰۱۷ استفاده شده و اثرگذاری متغیرهای هزینه نظامی، درآمد متوسط، بیکاری، تورم روی آن به وسیله‌ی الگوی اقتصادسنجی داده های تابلویی پرداخته شد. بر اساس نتایج تحقیق از آنجا که متغیر نرخ بیکاری دارای اثرگذاری مثبت و معنی‌دار بر تعداد زندانیان در هر صد هزار نفر جمعیت می‌باشد می‌توان بیان نمود که در صورتی که از سیاستهای اشتغال‌زایی بهره گرفته شود می‌توان وقوع جرایم در کشورها را کنترل نمود. این در حالی است که متغیر نرخ تورم بر روی وقوع جرایم دارای اثرگذاری معنی دار نمی باشد. علاوه بر موارد فوق با افزایش هزینه نظامی نمی‌توان وقوق جرایم را کاهش داد زیرا ارتباط بین هزینه نظامی و وقوع جرایم مثبت و معنی دار می‌باشد. بنابراین به سیاست‌گذاران اقتصادی و سیاسی توصیه می‌گردد که به منظور کنترل امنیت می‌بایست سطح بیکاری در کشور را کاهش دهند و متغیر بیکاری در کاهش معضل جرایم نسبت به متغیر تورم دارای اثرگذاری بیشتری می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: بیکاری، جرم، تورم، داده های تابلویی

مقدمه

محیط اقتصادی جوامع به نوبه خود در تاثیر گذاری بر جرم وناهنجاری در سطح کلان تاثیر بسزایی دارد. بدون تردید فقر ،بیکاری ونابرابری های اقتصادی در زمره ی مهم ترین معضلات جامعه بشری است که از جایگاه ویژه ای بین سایر مسائل اقتصادی برخوردار است(فریدون عبادی،۱۳۹۴). جرم در لغت به معنای (گناه)آمده است (معلوف،۱۳۷۷). علیرغم تعاریف زیادی که از جرم شده هنوز هم این موفقیت به دست نیامده تاازجرم، آن چنان تعریفی به عمل آید که مورد قبول همگان قرارگیرد و در زمان و مکان واجد ارزش باشد. دلیل این امرنیز این است که پدیده ی جرم برحسب دانشمندان و محققا ن، دارای مبانی و صور گوناگون بوده و به سخنی دیگر، آنچه که از نظر یک جرم محسوب می‌شود بر حسب دیگری نه تنها ممکن است عنوان جرم به خود نگیرد، بلکه امکان داردکه حتی عملی پسندیده به شمار آید(شامبیاتی،۱۳۸۴). وقوع وگسترش جرم در هر جامعه ای موجب تحمیل انواع هزینه های اجتماعی و اقتصادی بربخش خصوصی وعمومی می‌شود. علاوه بر آن وقوع هرنوع جرم و قانون شکنی در جامعه، فرصت استفاده ی صحیح از منابع و امکانات اقتصادی به صورت سرمایه گذاری در تولید، آموزش و بهداشت را از دولت میگیردو دولت را مجبور به استفاده از منابع در جهت مبارزه با جرم و کنترل آن می‌نماید که از این جهت بازدهی منابع کاهش میابد وهزینه هایی به جامعه تحمیل می شود(مداح وخیر خواهان،۱۳۹۰). برای پیشگیری از وقوع جر ایم بررسی وضعیت در جر ایم قریب الوقوع، ضروری است، زیرا این وضعیت ها افراد را تحت فشار قرار داده و قدرت و مقاومت را از آن ها سلب کرده وبه طرف ارتکاب جرم سوق می دهد. به عبارت دیگر، کاراترین سیاست ها جهت جلوگیری ازارتکاب جرم، شناخت مطلوب عوامل تأثیرگذار بر جرم مورد نظر و تلاش در ارائۀتوصیه های سیاستی و به کار بردن نتایج این مطالعات جهت کنترل بر این عوامل و در نتیجۀ کاهش میزان وقوع جرایم می باشد. با این حال، متخصصین جرم شناسی برای تحقیق، مراحل مختلف وقوع جرایم از مرحلۀ تخیل تا مرحلۀ ارتکاب جرم را تحت تأثیر محیط، زمینه، شخصیت و وضعیت موجود قلمداد می نمایند. پذیرش ارتباط ساختار اقتصادی و جرم به این صورت می باشد که ((فرض بر این است که افراد در شرایط مشابه روش های یکسانی ر ا)) اتخاذ می کنند. به عبارت دیگر، ((رفتار افراد تا حدود زیادی با بررسی شرایط محیطی و اجتماعی قابل پیش بینی است و رفتار نابه‌هنجار و غیر عادی در بحث‌های جرم شناسی به عنوان یک عنصر اجتماعی تلقی می شود نه عنصر زیست شناسی)) (نتلر[۱]، ۱۹۸۴).

می توان گفت فقر به صورت مستقیم یا غیر مستقیم باعث افزایش فعالیت های مجرمانه می‌شود. بنابراین، استدلال می‌شود که درهر جامعه ای میزان جرم ارتباط مستقیمی با میزان فقر دارد و افزایش فقر به افزایش جرم منجر می‌شود.(jacobs,۱۹۸۱) اولین مطالعه در نورد اقتصاد جرم توسط فیشر در سالهای ۱۹۶۳و۱۹۶۸انجام شده است. وی به بررسی رابطه میان جرم وعواملی مانند تعیین نرخ دستمزد و نحوه ی توزیع درآمد وتاثیر آن در تخصیص زمان میان فعالیت های قانونی و غیرقانونی پرداخت، اما در واقع گری بکر، اولین اقتصاددانی بود که در سال ۱۹۶۸ با استفاده از وسایل علمی و فنی و با تحلیلی اقتصادی پایه گذار اقتصاد جرم بود. او در مقاله خود بیان داشت که جرم یک فعالیت یا صنعت اقتصادی مهم است. به عقیده بکر، برخی افراد در پی حداکثر سازی سود خود، با تحلیل منفعت-هزینه این فعالیت که منفعت مادی جرم نسبت به کارهای قانونی (با درنظر گرفتن احتمال دستگیری ومجازات آن) بیش از فعالیت های قانونی است، مرتکب جرم و جنایت می‌شوند (سریر افراز. همکاران ۱۳۸۷).

پدیده بیکاری به ویژه بیکاری جوانان وافراد تحصیل کرده در حال حاضر جزء متغییر های اقتصادی است که ابعاد اجتماعی آن در حال پر رنگ شدن است و می‌بایست به این موضوع با نگاهی ویژه پرداخته شود. بنا به اهمیت این مقوله و با توجه به و توضیحاتی که ارائه شد احساس می‌شود نشان دادن واقعیت موضوع از طریق یک مطالعه ی بین رشته ای که از پیوند بین اقتصاد و جرم شناسی تشکیل شده باشد ضروری و شاید راه گشا باشد. در خصوص ارتباط بین متغیرهای اقتصادی و ارتکاب جرم در ایران و سایر کشورها، این طور به نظر می رسد که در سال های گذشته، با وجود افزایش بودجه نیروهای نظامی و

[۱] Netler

انتظامی و افزایش تعداد این نیروها، همچنان روند جرائم و ناهنجاری های اجتماعی رو به افزایش بوده و افزایش تعداد نیروهای امنیتی با در نظر گرفتن تمام زحمات آنان منجر به جلوگیری از کشف، ثبت و گزارش بیش از پیش جرائم نشده و کمکی به کاهش این روند شتابان نکرده است. پدیده بیکاری به ویژه بیکاری جوانان و افراد تحصیلکرده در حال حاضر جزء متغیرهای اقتصادی است که ابعاد اجتماعی آن در حال پررنگ شدن است و می‌بایست به این موضوع با نگاهی ویژه پرداخته شود. بنا به اهمیت این مقوله و با توجه به توضیحاتی که ارائه شد، احساس می‌شود نشان دادن واقعیت موضوع ازطریق یک مطالعه بین رشته ای که از پیوند بین اقتصاد و جرم شناسی تشکیل شده باشد ضروری و شاید راهگشا باشد. تورم از طریق افزایش قیمت کالاها و خدمات، قدرت خرید افراد را پایین آورده، درآمد حقیقی آن ها را کاهش می‌دهد. این امر، توان افراد را در تأمین هزینه های لازم برای کسب رضایت در تأمین سلامت و بهداشت کاهش می‌دهد. همچنین، فشار تورم می‌تواند به بی مسئولیتی و در نتیجه سبب انحرافات اجتماعی منجر شود. بررسی رابطه میان جرم و بیکاری حکایت از ارتباط مستقیم این دو عامل دارد. مقاله حاضر به این صورت سازماندهی شده است که پس از مقدمه، به ادبیات موضوع پرداخته می‌شود، بعد از آن مروری بر مطالعات پیشین را انجام می‌دهیم وسپس روش انجام مطالعه و متغییر ها و داده های مورد استفاده در این مطالعه معرفی می-شود. در نهایت نتایج تحقیق و پشنهاد ها مطرح می‌گردد. برای انجام آزمون فرضیات از روش تحلیل نظری و تجربی با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی با بهره‌گیری از داده های تلفیقی Eviews ۹ استفاده شده است. در این تحقیق از برنامه های اقتصادسنجی(پانل دیتا) استفاده خواهد شد.

شایان ذکر است که در کنار عوامل اقتصادی مذکور، عوامل اجتماعی، نظیر: فرهنگ، جامعه، جنسیت و... نیز در ارتکاب جرم اثرگذراند، ولی مقاله حاضر تنها به بررسی عوامل اقتصادی موثر بر جرم اختصاص یافته است.

ادبیات نظری

کلمه فساد از ریشه لاتینی (rumpere) به معنی شکستن یا نقض کردن است و آنچه شکسته یا نقض می‌شود می‌تواند یک شیوه رفتار اخلاقی یا اجتماعی و یا مقررات اداری باشد (تانزی ،۲۰۰۱). در لغت فارسی برای فساد معانی مختلفی مانند تباهی، ظلم و ستم، شرارت و بدکاری، عمل ناشایست، فسق وفجور، دشمنی و کینه و فتنه و آشوب ذکر شده است.

جرم یک پدیده معمولی اجتماعی بوده و از جمله بدترین عمل انسان‌ها درجامعه می‌باشد، طبیعی است که این عمل غیراخلاقی موجب تحمیل هزینه‌هایی به جامعه می‌شود که یکی از این هزینه‌ها هزینه ی مالی می‌شود. هزینه‌های مالی، از مهم ترین و اصلی ترین هزینه‌ها در رابطه با بحث جرم می‌باشند. همه ما می‌دانیم که زمانی که یک جرم رخ می‌دهد قربانیان ممکن است پول یا اموال خود را از دست دهند. هزینه‌های دیگری چون بر پا کردن زندگی جدید، برای مثال شامل هزینه‌هایی برای جا به جا کردن خانه نیز به قربانی تحمیل می‌شود(بین چِسو (۲۰۱۰)).

این هزینه‌ها فقط در سطح خرد نیست، بلکه در سطح کلان نیز وجود دارد. برای مثال دولت به عنوان یک کل نیز باید هزینه‌ها را در مورد جلوگیری از ارتکاب جرم افزایش دهد و یک سیستم امنیت اجتماعی کارا پایه‌ریزی کند و همچنین نیاز به صرف پول زیادی برای کارکنان مراکز اصلاح و تربیت، نگهبانان زندان و نگهداری زندانیان می‌باشد که باید آن را نیز در نظر گرفت. و همه این‌ها در حالی است که اگر مسئله جرم وجود نداشت، همه این هزینه‌ها می‌توانست در جای دیگر خرج شود. از طرفی دیگر نرخ ارتکاب جرایم یک کشور ممکن است روی گردشگری یا تجارت و نهایتاً اقتصاد کشورها تاثیر بگذارد. در تعریف جرم شناسی مجموعه عواملی که با پدیده جرم مربوط می‌شود و هر فعلی که جامعه آن را مجازات کند، جرم محسوب می‌شود.(صادقی و همکاران ۱۳۸۹). جرائم در سه دسته کلی تقسیم بندی می‌شود: الف)جرائم علیه اشخاص ب)جرائم علیه اموال و مالکیت و ج) جرائم علیه مصالح عمومی وامنیت ملی. در زیر توضیحی مختصر ازارتباط متغیرهای بیکاری، فقر و شهرنشینی با جرایم آورده شده است.

۱- بیکاری

یکی از مهمترین و اثرگذارترین عوامل برایجاد و شکل‌گیری جرایم، پدیده بیکاری است، زیرا بیکاری سبب فقر، نابرابری درآمد، مهاجرت، اختلاف خانوادگی و... می‌شود. به عقیده گامز(۲۰۰۳) به محض این که افراد بیکار شوند در کوتاه مدت به

دنبال کار جدید می‌روند. در بلند مدت اگر کاری یافت نکنند، گرایش به این خواهند داشت که مرتکب جرم شوند. همچنین بیکاری پدیده‌ای ناخوشایند و زیانبار برای جامعه محسوب می گردد. وقتی نرخ بیکاری بالاست افرادی که شغل خود را از دست داده‌اند و یا موفق به یافتن شغل نمی شوند، افزایش می‌یابند. همچنین با افزایش نرخ بیکاری هزینهٔ فرصت ورود به فعالیت‌های غیر قانونی مانند سرقت، کلاه برداری، قاچاق و غیره، افزایش می یابد. در علم اقتصاد بیکار به کسی گفته می‌شود که در سن کار (۱۵-۶۵) جویای کار باشد ولی شغل یا منبع درآمدی پیدا نکند. اما از نظر مرکز آمار ایران بیکار به کسی گفته می‌شود که بالای ۱۰ سال داشته و در هفته قبل از آمار گیری فاقد کار است. مهمترین علل بیکاری : علل بیکاری بسته به شرایط و اوضاع فرهنگی، اقتصادی، اقلیمی و اجتماعی در کشورهای مختلف می‌تواند متفاوت باشد ولی عمدتا بیکاری را میتوان به دو قسمت بیکاری ارادی و غیر ارادی تقسیم کرد. بیکاری ارادی خود به چهار قسمت تقسیم می‌شود و بیکاری غیر ارادی به بیکاری پنهان و بیکاری آشکار تقسیم میشود. بیکاری ارادی شامل بیکاری ادواری، بیکاری ساختاری، بیکاری اصطکاکی و بیکاری فصلی و همچنین بیکاری غیر ارادی شامل بیکاری پنهان و بیکاری آشکار می‌باشد.

۱- ۱ بیکاری ارادی

این نوع بیکاری به اراده فرد صورت می‌گیرد و فرد بیکار در دستمزد رایج، تمایل به کار کردن ندارد.

۱-۱-۱ بیکاری ادواری

به بیکاری به وجود آمده بر اثر سیکل‌های تجاری(رکود و رونق)گفته می‌شود. اگر به هنگام رکود، دستمزدها متناسب با قیمتها کاسته نشود، مقدار بیکاری افزایش یافته و این افزایش بیکاری را بیکاری ادواری می‌نامند. این نوع از بیکاری در شرایط اشتغال کامل، صفر بوده و با ایجاد رکود مقدار آن افزایش می‌یابد.

۱-۱-۲ بیکاری ساختاری

به آن مقدار بیکاری گفته می‌شود که بر اثر نامناسب شدن مهارت و توانایی کاری بخشی از نیروی کار در شرایط پیشرفت تکنولوژی و نیاز به مهارت بالاتر، چنانچه نیروی کار بازآموزی نشود ممکن است به بیکاری منجر شود که بیکاری ساختاری نامیده می‌شود.

۱-۱-۳ بیکاری اصطکاکی

به آن مقدار بیکاری گفته می‌شود که به دلیل تغییر شغل افراد به وجود می‌آید. به علت اینکه نیروی کار تمامی اطلاعات مربوط به شغل‌های موجود را در دسترس ندارد، در صورت از دست دادن یک شغل ممکن است مدتی برای یافتن شغل مناسب بعدی وقت مصرف کند.

۱-۱-۴ بیکاری فصلی

به آن مقدار از بیکاری گفته می‌شود که در یک فصل خاص و به دلیل ماهیت کاهش فعالیت یک بخش خاص طی آن فصل بوجود می‌آید.مانند بیکاری کشاورزان در فصل سرما.

۱-۲ بیکاری غیر ارادی

در این نوع بیکاری، فرد در دستمزد رایج، مایل به کار کردن است اما شغلی برای او وجورد ندارد. این بیکاری بر اثر چسبندگی قیمت‌ها و دستمزدها بوجود می‌آید و طی سیکل‌های تجاری کم و زیاد می‌شود.

۱-۲-۱ بیکاری پنهان و غیر پنهان

در بسیاری از کشورهای درحال توسعه علاوه برجمعیت کثیری که به صورت آشکار بیکار هستند، تعداد زیادی نیز به صورت بیکار پنهان وجود دارند. ا فرادی که به خاطر پیدا کردن کار بهتر، از مناطق روستایی خارج و به شهرها هجوم می‌آورند(از حالت بیکار پنهان به صورت بیکار آشکار درمی‌آیند). به علت محدودیت جذب نیروی کار و عدم دارا بودن تخصص‌ها ومهارت-های لازم به صورت بیکار آشکار در می آیند. بیکار پنهان به شخصی گفته می‌شود که میزان بازدهی و تولید او نازلتر از آن باشد که می‌تواند با همان ساعات، کار ایجاد کند و کار او تغییری در تولید کل به وجود نیاورد، در نتیجه تولید نهایی فرد بیکار پنهان، معادل صفر بوده یا بسیار اندک است.

۲- فقر

از دیگر عوامل اقتصادی مهم در تبیین جرم می باشد. بکر (۱۹۶۸) در نظریهٔ اقتصادی جرم فرض می کند که افراد زمانی وارد فعالیت های مجرمانه می شوند که هزینهٔ ورود نسبت به منافع به دست آمده کمتر باشد. براساس مقالهٔ بکر ارتباط مستقیمی بین فقر و جرم و جنایت وجود دارد. با افزایش فقر، شانس ورود به جرایم علیه اموال افزایش می یابد چیوومادن(۱۹۹۸). مبانی نظری اقتصاد جرم را اصل هزینه فرصت زمان تشکیل می‌دهد. منظور از هزینه فرصت یعنی تمام درآمدهایی که یک فرد با توجه به توانایی‌ها، استعدادها و آموزش هایی که دیده است از طریق قانونی و مجاز کسب می‌نماید. در جوامعی که بیکاری گسترده به ویژه در سنین جوانی و نوجوانی وجود دارد و به دلیل توزیع نامناسب ثروت، درآمد و رانت بین درآمدهای قانونی و غیرقانونی شکاف عظیمی به وجود می‌آید انگیزه‌ای برای انجام فعالیت‌های غیرقانونی به وجود می‌آید که بسته به نوع و شدت مجازات‌ها این انگیزه تضعیف می‌شود، اما مادامی که این مجازات‌ها (در ادبیات اقتصادی مجازات یعنی هزینه) کمتر از درآمدهای غیرقانونی یا فعالیت‌های مجرمانه باشد اشخاص به سمت این فعالیت‌ها جذب می‌گردند. در اینجا یک مدل اساسی بر اساس کار بکر(۱۹۶۸) و لوهان (۲۰۰۹) جهت افزودن به غنای متدولوژیک بحث ارائه گردیده است. در این مدل از یک تابع مطلوبیت انتظاری برای یک فرد که به صورت بالقوه ممکن است مرتکب جرم شود، استفاده شده است و از تعمیم این فرد به کل کسانی که ممکن است به صورت بالقوه تبهکار باشند تابع عرضه جرم را استخراج نموده است.

$$EU_i = p_i U_i\left(Y_i - f_i\right) + \left(1 - p_i\right) U_i\left(Y_i\right) \quad (۱)$$

$$\frac{\partial EU_i}{\partial f_i} = -p_i U_i\left(Y_i - f_i\right) < 0 \quad (۲)$$

$$\frac{\partial EU_i}{\partial p_i} = U_i(Y_i - f_i) - U_i(Y_i) < 0 \quad (۳)$$

در این مدل، U_i تابع مطلوبیت این فرد، EU_i تابع مطلوبیت انتظاری، P_i احتمال دستگیری این فرد، Y_i درآمد ناشی از یک فعالیت مجرمانه و f_i معادل پولی ناشی از مجازات می‌باشد، در صورتی که این تابع که در حقیقت مطلوبیت خالص ارزش انتظاری ارتکاب جرم را نشان می‌دهد برای فرد مثبت باشد. وی به ارتکاب جرم اقدام خواهد نمود و برعکس. متغیرهایی که در این تابع به صورت درون زا تعیین می‌شوند. f_i احتمال مجازات شدن و P_i احتمال دستگیر شدن، می‌باشد. مادامی که جمله $(Y_i - f_i)$مثبت باشد مشتق تابع مطلوبیت انتظاری نسبت به این دو متغیر منفی است به این معنا که هرچه احتمال دستگیری و شدت مجازات بیشتر شود ارزش مطلوبیت انتظاری ناشی از یک فعالیت مجرمانه کاسته خواهد شد و در نتیجه تعداد موارد ارتکاب جرم که به صورت عینی به وقوع می‌پیوندد کاسته خواهدشد. تعداد موارد ارتکاب جرم که به عنوان یک تابع از همان

تابع مطلوبیت انتظاری استخراج می‌شود رابا تابع O_i برای یک فرد و تابع O برای کل جامعه نشان داده است. اندیس i در این قسمت برای یک فرد نوعی استفاده شده است و متغیرهایی که بدون اندیس درج شده‌اند نشان از کل جامعه دارند.

$$O_i = O_i\ (p_i\ , f_i\ , u_i) \qquad (۴)$$

$$Op_i = \frac{\partial o_i}{\partial p_i} < 0$$

$$Op_i = \frac{\partial o_i}{\partial f_i} < 0$$

اگر این فرد نوعی را به کل افرادی که به صورت بالقوه زمینه ارتکاب جرم را دارند تعمیم دهیم، در نهایت تابع عرضه جرم به صورت ذیل ارائه می‌گردد:

$$O = O(p\ , f\ , u) \qquad (۵)$$

در اینجا، بردار u تمام متغیرهای اثرگذار بر جرم شامل درآمدهای قانونی، درآمدهای غیرقانونی، زمینه های خانوادگی، سطح تحصیلات و سایر موارد این چنینی می‌باشد که بکر بیش از این معرفی اجمالی، تحلیلی در خصوص بردار u ارائه نمی دهد تا اینکه این خلاء موجود به وسیله ارلیک (۱۹۷۲ و ۱۹۷۳) تبیین گردید (لوهان، ۲۰۰۹).

درآمدسرانه

به معنای ساده درآمد سرانه به این معنی است که به ازای هر نفر در یک کشور یا منطقه چه میزان درآمد وجود دارد. مدل اقتصادی بکر بر پایه یک تحلیل هزینه- فایده بنا شده است که در واقع فرد عقلایی با مقایسه منفعت حاصل از کار قانونی و ارتکاب جرایم یکی از این دو را برمی‌گزینند. حال در صورتی که درآمد فرد زیاد شود، از یک طرف منفعت و عایدی حاصل از فعالیت قانونی زیاد می‌شود و از طرف دیگر هزینه فرصت از دست رفته ارتکاب جرم زیاد می‌شود. در نتیجه احتمال ارتکاب جرم کاهش می‌یابد. تورم، از موضوعاتی است که بُعد کلان آن به وسعت کل اقتصاد است و در واقع از دغدغه‌های اقتصاددانان کلان، چه از بُعد نظری و چه از بُعد تجربی و سیاستی، مساله تورم است. همه مردم ازتورم شکایت می‌کنند و اعتقاد دارند تورم پدیده ای نامطلوب و زیان بار است. مردم به این دلیل ازتورم نگران هستند که افزایش قیمت ها، قدرت خرید آنها را پایین می‌آورد و آنها را با مشکل مالی تامین هزینه های جاری روبه رو می‌کند و سطح زندگی آنها را کاهش می دهد. تورم، تقریباً به همه این احساس را می دهد که آنها از همه کس و همه چیز عقب می مانند، از همسایه خود، از کارفرمای خود، از رفاه مورد نظر خود، از قیمت‌ها و نیز از آنچه او می خواهد(تفضلی، ۱۳۸۴). افزایش تورم موجب شکل گیری نوعی آینده هراسی می‌شود به گونه ای که مردم همواره به خود تلقین می‌کنند که «امروز بدتر از دیروز» است و همواره نگران این موضوع هستند که فردا چه خواهد شد و آینده شغلی و زندگی آنها چگونه رقم خواهد خورد.

انور و همکاران[۲] در سال ۲۰۱۷ در پژوهشی به بررسی عوامل مختلف بر جرایم در پاکستان پرداختند که در این تحقیق از اطلاعات دوره ۱۹۷۳ الی ۲۰۱۴ بهره گرفته شده است. متغیر وابسته در این تحقیق نرخ جرایم نسبت به کل جمعیت بوده، و متغیرهای مستقل شامل بیکاری، سطح آموزش، عدم توزیع درآمد، درآمد سالانه بوده است. بر اساس نتایج تخمین بلند مدت و کوتاه مدت متغیرهای مستقل قادر به توضیح متغیر وابسته می‌باشند. (انور، ۲۰۱۷)

[۲] - Awais Anwar, Noman Arshed, Sofia Anwar

ساندرا آجیمتوکین (۲۰۱۵) با استفاده از داده ها از اداره تحقیقات فدرال (که برای داده های اطلاعات جرایم خشونت آمیز استفاده می‌شود) و از دفتر آمار کار (برای داده های بیکاری استفاده می‌شود)، اثرنرخ بیکاری برجرایم خشونت آمیز تخمین زده است. او با بررسی در مورد میزان جرم، نشان داد که اثرات مثبت این متغیرها بر میزان جرم وجود دارد. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که بین خشونت و جرم و جنایت، رابطه مثبت وجود دارد، نه فقط با نرخ بیکاری.

Jorgen T. Lauridsen, Fatma Zeren & Ayşe Ari(۲۰۱۳)، در راستای تکمیل مطالعات گذشته خود، عوامل اثرگذار بر نرخ ارتکاب جرم را در حوزه پانزده کشور اتحادیه اروپا بررسی کرده اند. نتایج حاکی از این است که تورم، بیکاری و جمعیت شهری موجب افزایش نرخ ارتکاب جرم و رشد اقتصادی و آموزش، موجب کاهش نرخ ارتکاب جرم شده است.

دومیترو (۲۰۱۲) در پژوهشی که بر اساس داده های کشو رومانی و شهر بخارست پایتخت این کشور انجام داده است به بررسی رابطه بین نرخ ارتکاب جرم، بیکاری و میزان دانش آموزان مدرسه ای پرداخته است. مطابق انتظار نگارنده تأثیر بیکاری بر روی ارتکاب جرم مثبت و تأثیر میزان دانش آموزان مدرسه ای در این پدیده منفی بوده است.

بین چسو (۲۰۱۲) با اشاره به این مطلب که رشد سریع شهرنشینی مسائل و مشکلاتی به همراه می‌آورد که یکی از آن‌ها افزایش نرخ جرم است، موضوع نحوه اثرگذاری رشد شهرنشینی بر جرم را در کشور مالزی مورد بررسی قرار می‌دهد. او با بررسی مسائل و مشکلاتی که برخواسته از رشد شهرنشینی است، نتیجه می‌گیرد این عامل یکی از مهمترین فاکتورهای اثرگذار بر نرخ جرایم در کشور مالزی است.

دانگسو و ژانگمین (۲۰۱۲) با استفاده از تحلیل داده‌های پانل در ۱۲ منطقه انگلیس در بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ مدلی را پایه‌گذاری کردند و نهایتا به این نتیجه رسیدند که نابرابری درآمد و بیکاری مهمترین عوامل اقتصادی تاثیر گذار بر جرم را در این کشور می‌باشد. همچنین آن‌ها اذعان می‌کنند که نتایج تجربی به دست آمده به شدت این فرضیه را که جرم یک پدیده اقتصادی است، تایید می‌کند.

چانگ و وو (۲۰۱۲) هردو به طور گسترده بر روی این موضوع کار کرده‌اند که در انتشار رسمی انجمن اقتصادی آتلانتا منتشر شده است و بیش از ۳۰ سال است که به بررسی مسائل اقتصادی علاقه مندند. مقاله آنها به انواع مطالعات موردی قبلا منتشر شده و نظریه های اقتصادی پایدار مربوط به جرم و بیکاری و همچنین آمار مربوطه برای اعتبار تحقیقات و نتیجه‌گیری آنها اشاره می‌کند. هر نظریه و نتیجه گیری با داده‌ها و تجزیه و تحلیل گسترده همراه است تا توضیح دهد که چگونه نتیجه-های خاصی به دست می‌آید. هدف مقاله بررسی رابطه بین نرخ بیکاری و میزان جرم و جنایت است پیشنهاد قانع کننده‌ای که توسط نویسندگان مطرح شد این بود که افزایش میانگین میزان جرم در اقتصاد و یا احتمال شناسایی جرایم، منجر به کاهش میزان اشتغال در بازار کار به دلیل کاهش تعداد جای خالی ارائه شده توسط شرکت ها می‌شود. این نتیجه منطقی پس از آن، به وسیلهٔ تجزیه و تحلیل آماری مناسب پشتیبانی می‌شود. به طور کلی استدلال‌هایی که در این مقاله ارائه شده، قانع کننده هستند و مهمتر از همه از طیف وسیعی از داده‌ها پشتیبانی می‌شود.

التینداگ(۲۰۱۱) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه بین ارتکاب جرم و بیکاری در اروپا می‌پردازد. ایشان براساس یک مطالعه بین کشوری نتیجه می‌گیرد اثر بیکاری بر پدیده جرم به ویژه جرایم علیه اموال به طور معناداری مثبت است.

جلیل و اقبال(۲۰۰۸) طی مطالعه‌ای با استفاده از روش هم انباشتگی جوهانسن به بررسی اثر نسبت شهرنشینی بر نرخ جرایم در کشور پاکستان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین نسبت شهرنشینی و نرخ جرایم در پاکستان یک رابطه بلند مدت و مثبت وجود دارد. آن‌ها ادعا می‌کنند که عامل شهرنشینی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر جرایم کشور پاکستان می‌باشد.

آن‌ها در مطالعه خود در کنار عامل نسبت شهرنشینی به بررسی اثر چهار عامل دیگر یعنی بیکاری، تورم، نابرابری درآمد و تحصیلات بر جرم پرداختند.(BAUSMAN۲۰۰٤) او که استادیار جامعه شناسی در دانشگاه است مطالعات خود را در مورد تغیرات در تاثیر محدودیت های اجتماعی و اقتصادی بر الگو های جرم در جوامع شهری و غیر شهری متمرکز کرده است. همچنین مطالعات او طیف وسیعی از جامعه شناسی روستایی، بوم شناسی انسانی و چشم‌انداز توسعهٔ روستایی را در بر می-گیرد.

رافائل و وینتر-ابمر(۲۰۰۱) از دانشگاه کالیفرنیا رابطه بین بیکاری و جرم وجنایت با رگرسیون OLS و با استفاده از داده های سطح دولتی برای هر ایالت متحده بررسی کرده‌اند. متغیر وابسته، میزان جرم و جنایت است که به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱- جرم و جنایت(سرقت، خرابکاری و سرقت خودکار) و ۲- جرایم خشونت آمیز(قتل، تجاوز، سرقت وحمله). آن‌ها اظهار می‌کنند که کاهش بیکاری در دهه ۱۹۹۰ سهم عمده‌ای در کاهش جرایم در مقابل اموال در این دوره داشته است. در صورتی که این ارتباط در مورد جرایم علیه اشخاص کمتر صادق است.

عباسی نژاد و همکاران در سال ۱۳۹۱ در مطالعاتی به بررسی رابطه بین بیکاری و جرم در ایران پرداختند. در این تحقیق تلاش شده است تا در قالب یک الگوی اقتصادسنجی با استفاده از داده های تلفیقی بیکاری و سایر متغیرهای اجتماعی بر روی جرائم قتل عمد، سرقت و خودکشی مورد بررسی قرار گیرد. شواهد تجربی نشان می‌دهد رابطه مستقیمی بین بیکاری وآسیب-های اجتماعی مذکور وجود دارد، اما معمولا این متغیر با وقفه‌های یک یا دو دوره‌ای اثرگذاری خود را آشکار و نمایان می-کند(عباسی نژادوهمکاران،۱۳۹۱).

حسینی نژاد (۱۳۸۴) بر اساس یک مدل داده‌های تلفیقی بین استانی، جرم سرقت را با استفاده از متغیرهای اقتصادی تبیین نموده است. در این مقاله، رابطه بین نابرابری و سرقت مثبت، رابطه بین رشد اقتصادی وسرقت منفی و رابطه بین نسبت جمعیت جوان جامعه و سرقت، مثبت می‌باشد.

معرفی داده و الگوی پژوهش

در این مطالعه به منظور بررسی تاثیر نرخ بیکاری بر میزان شیوع جرایم از داده های تابلویی ۲۱۷ کشور جهان در فاصله سال-های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷ بر مبنای حداکثر اطلاعات موجود از بانک جهانی استفاده شده است. متغییر های به کار رفته در این مطالعه شامل تورم، درآمد سرانه، هزینه های نظامی، بیکاری و جرایم می‌باشد. در این مطالعه، برای استخراج نتایج تجربی از روش داده‌های پانل استفاده شده است. در مدل های پانل، برخی از متغیرها بین واحدهای مقطعی و یا طی زمان تغییر می‌کند. برای لحاظ کردن این تفاوت ها از دو الگوی اثرات ثابت (FEM) واثرات تصادفی (REM) استفاده می‌شود. در الگوی اثرات ثابت، فرض بر آن است که تفاوت میان مقاطع می تواند در جملهٔ ثابت ظاهر شود. در الگوی اثرات تصادفی، فرض می شود که تفاوت میان مقاطع می تواند در جملهٔ اخلال ظاهر شود. به منظور ارزیابی اثر بیکاری بر میزان شیوع جرایم از الگوی زیر استفاده شده است:

$$CRIM_{i,t} = c_i + \alpha_1 UNEMPLOY_{i,t} + \alpha_2 GDPPER_{i,t} + \alpha_3 CPI_{i,t} + \alpha_4 MILITARY_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \qquad (۶)$$

که درآن CRIM تعداد زندانیان درهر صد هزار نفر کشور i ام در زمان t، c_i عرض از مبدا و α_i ضرایب برآوردی می‌باشند.UNEMPLOY همان بیکاری کشور i ام در زمان t می‌باشد. GDP PER درآمد سرانه کشور i ام در زمان t

می‌باشد، CPI که همان شاخص تورم می‌باشد برای محاسبه‌ی کشور i ام در زمان t در نظر گرفته شده است.MILITARY هزینه های مربوط به هر کشور i ودر زمان t می‌باشد و در نهایت، ε جز اخلال کشور i ام در زمان t می‌باشد.

آماره f لیمر، برای گزینش panel یا pool کارایی دارد اگرprob کوچکتر از ۵ درصد باشد الگوی پنل انتخاب می شود و بالعکس.

آمارۀ هاسمن، برای گزینش هر یک از دو روش اثرات تصادفی و اثرات ثابت بنا شده است به طوری که با پذیرش فرضیۀ صفر، کارآیی روش اثرات تصادفی تأیید می شود و برعکس.

نتایج تجربی مدل

نتایجی که می‌توان از آزمون کردن این داده ها گرفت (جدول ۱) این است که بیکاری در سطح ۵ درصد بی‌معنی ودر سطح ده درصد معنادار و تاثیر مثبت دارد. هزینه های نظامی اثر مثبت دارد یعنی ما با استفاده از هزینه های نظامی قادر به کاهش جرم نیستیم. درآمد سرانه معنادار و تاثیر منفی دارد. طبق آزمون f لیمر چون prob ما عدد ۰/۰۰۴۰ شده است پس الگوی ما الگوی پنل و طبق آزمون هاسمن که prob ما عدد۰/۰۰۰ شده است اثر ثابت دارد.

جدول ۱- نتایج تخمین

نام متغیر های مستقل	شیب	انحراف معیار	آماره t	خطای آماره t
C	۱۴۹،۰۲۱۷	۱۰،۳۹۳۶۸	۱۴،۳۳۷۷۳	۰،۰۰۰۰
CPI	-۱،۲۰۱۱۸۳	۰،۷۲۹۳۴۷	-۱،۶۴۶۹۳۰	۰،۱۰۰۰
MILITARI	۱،۹۴۶۵۲۳	۰،۶۰۶۶۹۳	۳،۲۰۸۴۱۳	۰،۰۰۱۴
UNEMPLOY	۱،۱۸۸۰۶۳	۰،۶۹۶۲۸۴	۱،۷۰۶۲۹۲	۰،۰۸۸۳
GDPPER	-۰،۰۰۰۳۹۱	۰،۰۰۰۱۹۶	-۱،۹۹۷۲۱۲	۰،۰۴۶۱

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات سیاستی

یکی از شاخص‌هایی که نشان دهنده میزان امنیت در یک کشور می‌باشد نسبت تعداد افراد زندانی در یک کشور می‌باشد. با افزایش این نسبت علاوه بر مشکلات اجتماعی هزینه‌های زیادی به حاکمیت به منظور نگهداری از آنها تحمیل می‌شود بنابراین ضرورت دارد با استفاده از سیاست‌های مختلف میزان وقوع جرایم در کشور را کاهش داد و لازمه این مهم، یافتن الگویی برای کاهش میزان وقوع این معضل اجتماعی است. بر طبق نتایج تحقیق از آنجا که متغیر نرخ بیکاری دارای اثرگذاری مثبت و معنی‌دار بر تعداد زندانیان در هر صد هزار نفر جمعیت می‌باشد می‌توان بیان نمود که در صورتی که از سیاستهای اشتغال‌زایی بهره گرفته شود می‌توان وقوع جرایم در کشورها را کنترل نمود. این در حالی است که متغیر نرخ تورم بر روی وقوع جرایم دارای اثرگذاری معنی‌دار نمی‌باشد. علاوه بر موارد فوق با افزایش هزینه نظامی نمی‌توان وقوق جرایم را کاهش داد زیرا ارتباط بین هزینه نظامی و وقوع جرایم مثبت و معنی دار می‌باشد. بنابراین به سیاست‌گذاران اقتصادی و سیاسی توصیه می‌گردد که به منظور کنترل امنیت می‌بایست سطح بیکاری در کشور را کاهش دهند و متغیر بیکاری در کاهش معضل جرایم نسبت به متغیر تورم دارای اثرگذاری بیشتری می‌باشد.

منابع و ماخذ

الف) فارسی

- تفضلی، فریدون (۱۳۸۴). اقتصاد کلان تهران: نشر نی، چاپ ۱۵.
- حسینی نژاد، مرتضی(۱۳۸۴)، بررسی علل اقتصادی جرم در ایران با استفاده از یک مدل داده های تلفیقی، مورد سرقت. مجله برنامه و بودجه شماره ۹۵، صص ۸۱ –۳۵.
- سریرافراز، محمد، مکیان، سمیه سادات، فهیمی فر، فاطمه، پیش گیری از وقوع جرم و جنایت: بستر سازبرقراری جامعه ایمن، دومین همایش جامعه ایمن شهر تهران ۱۳۸۷.
- شامبیاتی، هوشنگ(۱۳۸۴)، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر ژوبین، آذر۸۴، چاپ دوازدهم، ج اول، ص ۲۱۳.
-صادقی، حسین؛ نجفی، نرگس؛ وفایی یگانه، رضا و محمد غفاری، حسن (۱۳۸۹).اقتصاد جرم همدان: نشرنورعلم، چاپ اول.
- عبادی، فریدون و رحمان بن سعید، ۱۳۹۴، بررسی رابطه ی بین بیکاری و وقوع جرایم اقتصادی در ایران، اولین کنگره سراسری تحول و نوآوری در علوم انسانی، شیراز، موسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی
- عباسی نژاد، حسین، رمضانی، هادی وصادقی، مینا(۱۳۹۱)، بررسی رابطه ی بین بیکاری و جرم در ایران:رهیافت داده های تلفیقی بین استانی، فصلنامه‌ی پژوهش ها و سیاست های اقتصادی سال بیستم، شماره ۶۴، زمستان ۱۳۹۱، صفحات ۸۴-۶۵.
- معلوف، لویس(۱۳۷۷)، فرهنگ بزرگ جامع نوین، جلد اول، مترجم احمد سیاح، تهران، انتشارات اسلام
- مداح، مجید و خیرخواهان، ابراهیم(۱۳۹۰)، تجزیه و تحلیل اثر انگیزه‌های اقتصادی در ارتکاب جرم (مطالعه موردی زندانیان شهر سمنان)، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره۲۵، صفحه ۱۰۹

ب) انگلیسی

- Ajimotokin, S., et al. (۲۰۱۵). "The Effects of Unemployment on Crime Rates in the US."
- Anwar, Awais & Noman Arshed & Sofia Anwar (۲۰۱۷). " Socio-economic Determinants of Crime: An Empirical Study of Pakistan". International Journal of Economics and Financial Issues. International Journal of Economics and Financial Issues, ۲۰۱۷, ۷(۱), ۳۱۲-۳۲۲.
- Bausman, Kent and Goe, W. Richard. (۲۰۰٤). An Examination of the Link between Employment Volatility and the Spatial Distribution of Property Crime Rates. American Journal of Economics and Sociology.
- Becker, G.S. (۱۹٦۸),"Crime and Punishment: An Economic Approac-
Journal of Political Economy, ۷٦(۲), pp.۱٦۹-۲۱.
- Chang, J., & Wu, C. (۲۰۱۲). Crime, Job Searches, and Economic Growth. Atlantic Economic Journal.
- Chiu W.H. & Madden, P. (۱۹۹۸), Burglary and income inequality.
Journal of Public Economics, ٦۹: ۱۲۳–۱٤۱.
- Duha T. Altindag (۲۰۱۱), "Crime and Unemployment: Evidence from Europe", Working Paper Series, Auburn University, http://cla.auburn.edu/econwp/.
- Ehrlich, Isaac. (۱۹۷۲). The Deterrent Effect of Criminal Law Enforcement. The Journal of Legal Studies , ۱(۲), pp. ۲٥۹- ۲۷٦.
- Ehrlich, Isaac. (۱۹۷۳). Participation in Illegitimate Activities: A Theoretical and.Empirical Investigation. the Journal of Political Economy , ۸۱(۳), pp. ٥۲۱ -٥٦٥٥.
- Gumus, E. (۲۰۰۳). Crime in urban areas: An empirical investigation.
- Jacobs, D. (۱۹۸۱) "Inequality and Economic Crime", Sociology and Social Research, No. ٦, P. ۱۲.
- Jor gen T. Lauridsen, Fatma Zeren & Ayşe Ari. (۲۰۱۳). A spatial panel data analysis of crime rates in EU. Discussion Papers on Business and Economics, Department of Business and Economics, Faculty of Social Sciences, University of Southern Denmark.
- Lu Han. (۲۰۰۹). ECONOMIC ANALYSES OF CRIME IN ENGLAND AND WALE S. A thesis submitted to the University of Birmingham, Department of Economics.

- Raluca-Ana-Maria Dumttru (۲۰۱۲), "The Relationship Between Crime Rate, Unemployment Rate and the Share of Total School Population, A Multifactorial Model", International Journal of Criminal Investigation, Vol. ۲, Issue ۲, PP. ۱٤۱-۱٥۹.
- Raphael, S, & Winter-Ebmer, R. (۲۰۰۱). Identifying the Effect of Unemployment on Crime. Journal of Law and Economics, ٤٤(۱), ۲٥۹-۲۸۳ .

پیوست

شکل۱- تخمین مدل

Command | Capture

View | Proc | Object | Print | Name | Freeze | Estimate | Define | PoolGenr | Sheet

Dependent Variable: CRIM_?
Method: Pooled Least Squares
Date: 12/24/18 Time: 11:54
Sample: 2006 2017
Included observations: 12
Cross-sections included: 199
Total pool (unbalanced) observations: 994
Cross sections without valid observations dropped

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	149.0217	10.39368	14.33773	0.0000
CPI_?	-1.201183	0.729347	-1.646930	0.1000
MILITARI_?	1.946523	0.606693	3.208413	0.0014
UNEMPLOY_?	1.188063	0.696284	1.706292	0.0883
GDPPER_?	-0.000391	0.000196	-1.997212	0.0461
Fixed Effects (Cross)				
AFG--C	-63.23669			
ALB--C	12.95576			
DZA--C	-17.62581			
ASM--C	32.92000			
AND--C	19.24256			
AGO--C	5.396095			
ATG--C	-66.26533			
ARG--C	-5.224413			
ARM--C	-26.89991			
ABW--C	4.110471			
AUS--C	-13.74233			
AUT--C	-8.173330			

شکل۲- آزمون f لیمر

Command | Capture

View | Proc | Object | Print | Name | Freeze | Estimate | Define | PoolGenr | Sheet

Redundant Fixed Effects Tests
Pool: POOL01
Test cross-section fixed effects

Effects Test	Statistic	d.f.	Prob.
Cross-section F	1.332985	(198,791)	0.0040
Cross-section Chi-square	286.205109	198	0.0000

Cross-section fixed effects test equation:
Dependent Variable: CRIM_?
Method: Panel Least Squares
Date: 12/27/18 Time: 21:54
Sample: 2006 2017
Included observations: 12
Cross-sections included: 199
Total pool (unbalanced) observations: 994

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.
C	157.5003	9.421944	16.71632	0.0000
CPI_?	-0.375887	0.646542	-0.581381	0.5611
MILITARI_?	1.283796	0.555726	2.310125	0.0211
UNEMPLOY_?	0.208856	0.646768	0.322923	0.7468
GDPPER_?	-0.000374	0.000182	-2.055088	0.0401

R-squared	0.011679	Mean dependent var	161.1411
Adjusted R-squared	0.007682	S.D. dependent var	111.2206

شکل۳-آزمون هاسمن

Command | Capture

View | Proc | Object | Print | Name | Freeze | Estimate | Define | PoolGenr | Sheet

Correlated Random Effects - Hausman Test
Pool: POOL01
Test cross-section random effects

Test Summary	Chi-Sq. Statistic	Chi-Sq. d.f.	Prob.
Cross-section random	25.299071	4	0.0000

Cross-section random effects test comparisons:

Variable	Fixed	Random	Var(Diff.)	Prob.
CPI_?	-1.201183	-0.465073	0.121348	0.0346
MILITARI_?	1.946523	1.404982	0.067355	0.0369
UNEMPLOY_?	1.188063	0.334895	0.079637	0.0025
GDPPER_?	-0.000391	-0.000377	0.000000	0.8591

Cross-section random effects test equation:
Dependent Variable: CRIM_?
Method: Panel Least Squares
Date: 12/27/18 Time: 21:58
Sample: 2006 2017
Included observations: 12
Cross-sections included: 199
Total pool (unbalanced) observations: 994

Variable	Coefficient	Std. Error	t-Statistic	Prob.